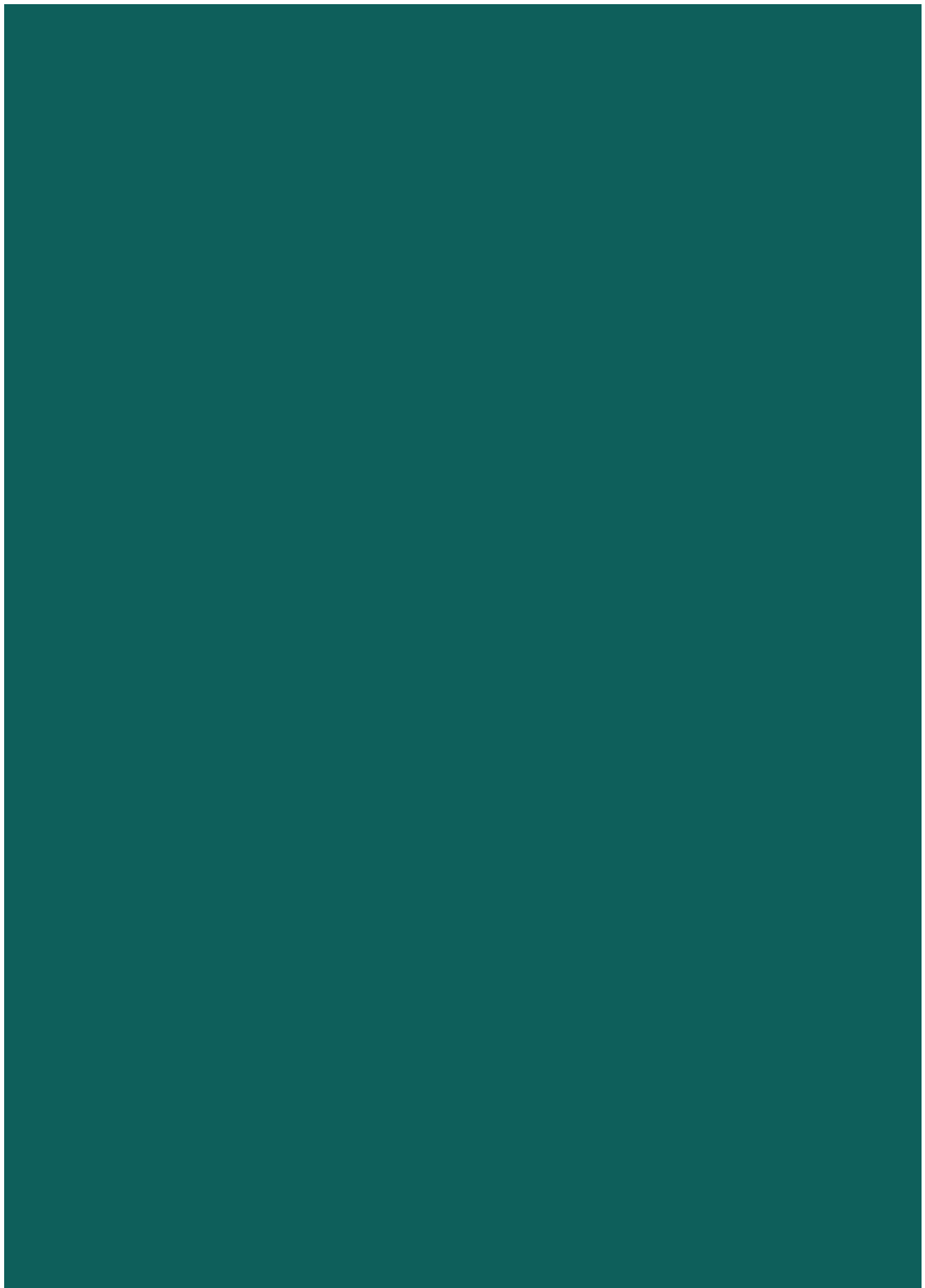




وزارت جهاد کشاورزی
سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی
معاونت آموزش و ترویج

زندگی عشایر ایران





سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی
معاونت آموزش و ترویج

زندگی عشایر ایران

نویسندگان:

حمیدرضا وجدانی، ندا علیزاده، علیرضا نیکویی

۱۴۰۴



شناسنامه

سرشناسه	: وجدانی، حمیدرضا، ۱۳۴۵-
عنوان و نام پدیدآور	: زندگی عشایر ایران/ نویسندگان حمیدرضا وجدانی، ندا علیزاده، علیرضا نیکویی؛ مدیر داخلی فتح‌اله بهرامی؛ تهیه شده در معاونت آموزش و ترویج کشاورزی، دفتر شبکه دانش و رسانه‌های ترویجی؛ [برای] سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی. معاونت آموزش و ترویج.
مشخصات نشر	: تهران : سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، معاونت آموزش و ترویج کشاورزی، نشر آموزش کشاورزی، ۱۴۰۴.
مشخصات ظاهری	: ۱۷۶ ص.: مصور(بخشی رنگی).
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۳۶۳-۰۸۶-۶
وضعیت فهرست نویسی: فیبا	
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۶۳ - ۱۷۵.
موضوع	: ایلات و عشایر -- ایران -- Nomads ایلات و عشایر -- ایران -- آداب و رسوم و زندگی اجتماعی -- Iran -- Nomads Social life and customs --
شناسه افزوده	: علیزاده، ندا، ۱۳۶۱ شهرپور-
شناسه افزوده	: نیکویی، علیرضا، ۱۳۵۰-
شناسه افزوده	: بهرامی، فتح‌الله، ۱۳۴۹-
شناسه افزوده	: سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی. دفتر شبکه دانش و رسانه‌های ترویجی
شناسه افزوده	: سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی. معاونت آموزش و ترویج
شناسه افزوده	: سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی. معاونت آموزش و ترویج. نشر آموزش کشاورزی
رده بندی کنگره	: DSR 71
رده بندی دیویی	: ۹۵۵/۹۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۰۰۷۶۱۴۸
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا	

ISBN: 978-622-363-086-6

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۶۳-۰۸۶-۶

عنوان: زندگی عشایر ایران

نویسندگان: حمیدرضا وجدانی، ندا علیزاده، علیرضا نیکویی

مدیر داخلی: فتح‌اله بهرامی

تهیه شده در: معاونت آموزش و ترویج کشاورزی، دفتر شبکه دانش و

رسانه‌های ترویجی

ناشر: نشر آموزش کشاورزی

طراحی و صفحه‌آرایی: نرگس بهادر

شمارگان: محدود نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۴

مسئولیت درستی مطالب با نویسندگان است.

شماره ثبت در مرکز فن‌آوری اطلاعات و اطلاع‌رسانی کشاورزی ۳۱۴۰۴۶ به تاریخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۸ است.

نشانی: تهران، خیابان آزادی، بین نواب و رودکی، پلاک ۲۰۵، معاونت آموزش و ترویج کشاورزی

تلفن: ۶۶۴۳۰۴۶۵ | تلفکس: ۶۶۴۳۰۴۶۴ | کدپستی: ۱۴۵۷۸۹۶۶۸۱



پیشگفتار

جامعه عشایری در ایران، به عنوان سومین گروه جمعیتی کشور پس از جمعیت شهری و روستایی، با در دست داشتن سهم عمده‌ای از تولیدات دامی و صنایع دستی و با گنجینه گران بهای فرهنگ و دانش بومی، نیازهای آموزشی، ترویجی و تحقیقاتی گسترده‌ای را به همراه دارد. شناخت این جامعه و مشکلاتی که با آن دست به گریبان است و از سوی دیگر توان‌ها و قابلیت‌های فراوانی که در آن یافت می‌شود کم و بیش مورد توجه محققان و مراکز تحقیقاتی قرار گرفته است، با این حال نتایج تحقیقات ارزشمندی که در این حوزه صورت گرفته توجه شایسته‌ای را به خود جلب نکرده است. بهره‌مندی ذی‌نفعان، برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران از نتایج تحقیقات در گام نخست مستلزم شناخت با موضوعات تحقیقاتی و سپس اشاعه و ترویج یافته‌ها می‌باشد. در این کتاب پس از ارائه شناختی اجمالی از موضوعات عشایری و مروری بر نیازهای تحقیقاتی، تحقیقات انجام یافته در سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی با تأکید بر یافته‌های آنها معرفی شده است که مرحله‌ای آغازین در به‌کارگیری و ترویج و آموزش یافته‌های پژوهشی است.

کوچ‌نشینی به عنوان شیوه‌ای از زندگی و معیشت، با حرکت دوره‌ای بین مکان‌هایی مشخص، شناخته می‌شود. به طور کلی چهار نوع شیوه کوچ‌نشینی شناخته شده است که عبارتند از: کوچ‌نشینی زراعی، کوچ‌نشینی شبانی، کوچ‌نشینی افقی و کوچ‌نشینی عمودی. در کوچ‌نشینی زراعی که هنوز هم در بعضی مناطق آفریقا دیده می‌شود، بومیان با آتش زدن چوب و علف روی زمین، آن را برای زراعت آماده می‌کنند. پس از یکبار بهره‌برداری، بومیان به مکان دیگری می‌روند و پس از دوره‌ای ۱۰ تا ۳۰ ساله مجدداً به آن بر می‌گردند. در نوع دیگری از کوچ‌نشینی که به عنوان کوچ‌نشینی شبانی شناخته می‌شود، زندگی و معیشت، مبتنی بر بهره‌برداری دوره‌ای از چراگاه‌ها است. در کوچ‌نشینی از نوع افقی، هدف حرکت از مکانی به مکان دیگر، صرفاً دستیابی به مراتع است و کوچ به مناطق مختلف از منظر ارتفاع و دما، مد نظر نیست. این نوع کوچ در برخی از دشت‌های آفریقا و بعضی مناطق بیابانی خاورمیانه

دیده می‌شود. نوع دیگری از کوچ‌نشینی شبانی با حرکت بین مناطق با در نظر گرفتن اختلافات دمایی وجود دارد. در مناطق سرد شمالی، کوچ‌نشینی با گوزن‌های خود در تابستان و زمستان بین مناطقی نزدیک‌تر و دورتر به قطب شمال کوچ می‌کنند. در این نوع کوچ، انگیزه حرکت، تنها دسترسی بیش‌تر و بهتر به چراگاه نیست، بلکه فرار از سرمای کشنده زمستانی هم هست. نوع دیگری از کوچ‌نشینی با حرکت بین مناطق مرتفع‌تر و مناطقی با ارتفاع کم‌تر که معمولاً همان حرکت بین ییلاق و قشلاق است با اصطلاح کوچ عمودی وجود دارد. در این نوع کوچ، علاوه بر انگیزه‌ای که برای دستیابی به مراتع زمستانه و تابستانه وجود دارد، سرمای ییلاقات مرتفع و گرمای زیاد مناطق قشلاقی کم ارتفاع، زندگی دائمی در این مناطق را دشوار می‌سازد. شرایط محیط طبیعی اغلب مناطق خاورمیانه و شمال آفریقا با ترکیبی از کوه و دشت، زمینه را برای این نوع کوچ‌نشینی فراهم کرده و امکان ظهور بیش‌ترین جمعیت کوچ‌نشین را در این منطقه فراهم ساخته است. اگرچه این نوع کوچ‌نشینی مختص خاورمیانه نیست و در مناطقی از اروپای جنوبی و جنوب آسیا نیز دیده می‌شود. نوع کوچ‌نشینی که در ایران وجود دارد نیز منطبق بر همین نوع کوچ‌نشینی شبانی است که با حرکت بین مناطق ییلاق و قشلاق همراه است.

زندگی کوچ‌نشینی در ایران علاوه بر یک نوع شغل و معیشت، نوعی از زندگی است که با ساختارهای جمعی و سلسله‌مراتبی از روابط، از سطح خانوارها، طایفه و تیره تا بالاترین سطوح آن که ایل‌ها است، شناخته می‌شود. این ساختار روابط و سلسله‌مراتب در جامعه کوچ‌نشین باعث شده تا این جامعه در طول تاریخ ایران قدرتی قابل توجه از خود بروز دهد؛ به نحوی که اغلب حکومت‌ها تا قبل از دوره پهلوی، یا از عشایر بوده‌اند و یا به آنها متکی بوده‌اند. از اواخر دوره قاجاریه، با رسیدن موج‌های نوگرایی به ایران، به تدریج دیدگاه‌ها نسبت به عشایر عوض شد و این نوع زندگی و معیشت، ناسازگار با نوگرایی و پیشرفت معرفی گردید. از دیگرسو، کارکرد نظامی و امنیتی عشایر که تا پیش از آن جهت اداره مناطق کشور و مقابله با تهدیدهای خارجی در خدمت حکومت مرکزی قرار می‌گرفت، به تدریج رنگ باخت و نیروهای نظامی مدرن جای آن را گرفت. پهلوی اول با اقداماتی سخت‌گیرانه تلاش نمود تا

به این شیوه زندگی پایان دهد؛ چرا که از یکسو این سبک زندگی را هماهنگ با سیاست‌های رشد و توسعه کشور نمی‌دید و از سوی دیگر آن را عاملی تهدیدکننده برای قدرت مرکزی دولت می‌دانست. در نهایت با وجود اقدامات گسترده پهلوی اول در جهت اسکان (یا تخته‌قاچاق) عشایر، با آغاز حکومت پهلوی دوم، اگرچه همچنان زندگی کوچ‌نشینی ناسازگار با سیاست‌های رشد و پیشرفت کشور تلقی می‌شد، اسکان عشایر ادامه پیدا نکرد و حتی بسیاری از عشایر اسکان یافته به زندگی کوچی یا نیمه‌کوچی بازگشتند. در دوره پهلوی دوم تلاش گردید تا با ابداع روش‌هایی برخی امکانات، به‌ویژه آموزش و واکسیناسیون در اختیار عشایر قرار داده شود. در این دوره، بر خلاف دوره گذشته این خود عشایر بودند که به‌جهت آشنایی با مزایای یکجانشینی به تدریج تقاضای اسکان در آن‌ها بیش‌تر می‌شد؛ ضمن این‌که اقدامات پهلوی اول ساختار سلسله‌مراتب ایلی و قدرت آن‌ها را تضعیف نموده بود و با ملی نمودن جنگل‌ها و مراتع، از قدرت خوانین و سران عشایر که خود را مالکین چراگاه‌ها می‌دانستند، کاسته شده بود.

پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و به‌ویژه بعد از حمله عراق به ایران، نگاه به عشایر به عنوان جمعیتی سلحشور که می‌تواند در خدمت دفاع از سرزمین قرار داشته باشد، باعث شد تا سیاست‌های اسکان عشایر تضعیف گردد، با این حال علائق این جامعه به اسکان، همچنان رو به فزونی بود. با پایان جنگ، به تدریج سیاست‌های اسکان عشایر در قالب ساماندهی عشایر تقویت شد. تفاوت این سیاست اسکان با سیاست اسکان دوره پهلوی اول، اصرار بر داوطلبانه بودن اسکان بود. با سه برابر شدن جمعیت و سیاست‌های حاکم بر کشور طی نیم قرن، فشار بر عرصه‌های منابع طبیعی روزافزون گردید. چراگاه‌های عشایری در بیلاق و قشلاق و نیز ایل‌راه‌های عشایر در معرض دست‌اندازی شهرنشینان و روستائیان قرار گرفت. تحولات اقتصادی و اجتماعی جامعه عشایر باعث شد تا عشایر نه تنها بر دامنه فعالیت‌ها و مشاغل و تنوع شغلی خود نیفزوده‌اند، بلکه تولید محصولات لبنی آنها نیز به شدت کاهش یافته و بر تولید گوشت متمرکز شوند. تولید صنایع دستی نیز که برآمده از سنت‌های عشایری و تأمین‌کننده قسمتی از نیازهای عشایر و جوامع شهری و روستایی بود، کاهش

یافت. با افزایش مشکلات کوچ سنتی، به‌ویژه در اثر مسدود شدن ایل‌راه‌ها، عشایر می‌بایست مبالغ هنگفتی را برای حمل ماشینی هزینه کنند. چرای دام عشایر در مزارع روستائیان که در گذشته معمولاً رایگان و یا با پرداخت مختصری از محصولات عشایر انجام می‌گرفت، اکنون پولی شده بود. با تضعیف مراتع، مقادیر قابل توجهی از علوفه مصرفی دام می‌باید خریداری می‌شد که هزینه زیادی را بر این جامعه تحمیل می‌کرد.

باوجود همه مشکلاتی که جامعه عشایری با آن روبرو است، همچنان زندگی عشایری با کوچ‌نشینی و نیمه‌کوچ‌نشینی در کشور جریان دارد. براساس آخرین برآورد جمعیتی (در سال ۱۴۰۰)، ۱۱۱۵۰۰۰ نفر جمعیت عشایری کشور بوده است. تحولات جمعیت عشایر در چند دهه اخیر نشان می‌دهد که عدد این جمعیت نسبت به جمعیت‌های شهری و روستایی تغییرات کمی را شاهد بوده است. علاقه به اسکان در عشایر کوچ‌نشین بالا است، اما مشکلات و کمبود امکانات و حمایت‌های لازم باعث شده که همچنان عده قابل توجهی از عشایر، به کوچ ادامه دهند. اسکان خودجوش عشایر مشکلات خاص خود را به دنبال داشته و طرح‌های اسکان در کانون‌های هدایتی که با حمایت دستگاه‌های دولتی مربوطه انجام گرفته نیز به علت عدم انجام مطالعات کافی اولیه و یا کمبود اعتبارات با موفقیت بالایی مواجه نبوده‌اند.

اگرچه سبک و محیط زندگی عشایری برای کسانی که از بیرون به این نوع زندگی نگاه می‌کنند، به‌خصوص برای کسانی که در محیط‌های شهری زندگی می‌کنند ممکن است جذاب به‌نظر برسد، اما این زندگی و معیشت جامعه‌ی آن با چالش‌های بزرگی مواجه است که تداوم آن را دشوار ساخته است. در چنین شرایطی دستگاه‌های متولی امور عشایر، تلاش‌هایی را برای خدمات‌رسانی و تأمین رفاه و آموزش به این جامعه انجام می‌دهند، ولیکن مشکل اساسی این جامعه کمبود درآمد و کمبود تنوع شغلی است. در راستای حل مشکلات جامعه عشایری، تا کنون تحقیقات قابل توجهی انجام شده است. این تحقیقات بر شناسایی جامعه عشایری و فرهنگ و سنت‌های این جامعه، بررسی مشکلات و دیدگاه‌های جامعه عشایری برای تداوم کوچ و یا اسکان، راهکارهای افزایش درآمد جامعه عشایر، صنایع دستی و محصولات دامی،

راه‌های افزایش تنوع شغلی عشایر و دانش بومی عشایر متمرکز بوده‌اند. مطالعات قابل توجهی نیز بر روی گردشگری عشایری انجام گرفته و امیدهای زیادی را برای تنوع‌بخشی و افزایش درآمد عشایر از طریق گردشگری ایجاد نموده است.

در این کتاب تلاش شده تا مفاهیم اساسی زندگی کوچ‌نشینی و انگیزه‌های تداوم این سبک از زندگی در ایران و موضوعات مهمی که در این زمینه وجود دارد، مرور شود. بر این اساس، پژوهش‌های انجام شده با تأکید بر نتایج آنها مرور شده است. باوجودی که تاکنون تحقیقات قابل توجهی در زمینه موضوعات عشایری انجام یافته، نگاهی به فراوانی این تحقیقات در مقایسه با تعدد موضوعات و نیازها نشان می‌دهد که هنوز زمینه‌های پژوهشی گسترده‌ای در این عرصه‌ها وجود دارد و لازم است که تحقیقات عشایری با جدیت، حمایت، ساماندهی و هدفمندی بیش‌تری انجام پذیرد. علاوه بر نیازهای تحقیقاتی برای حل معضلات معیشتی و رفاهی جامعه عشایر و محیط زیست آن‌ها، لازم است که در راستای حفظ میراث فرهنگی در این جامعه و سنن و دانش بومی نهفته در بین این مردمان، مطالعات کاربردی انجام پذیرد.

در فصل اول این کتاب ابتدا انواع مختلف کوچ‌نشینی مرور شده و پس از مقایسه انواع کوچ‌نشینی، موقعیت زندگی عشایر ایران، پیشینه‌ی آنها و وضعیت اجتماعی و اقتصادی و اجتماعی آنها، چالش‌ها و قابلی بررسی شده است. در فصل دوم کتاب تحقیقاتی که در رابطه با عشایر ایران، در سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی انجام یافته با تأکید بر نتایج آنها معرفی گردیده و در جمع‌بندی نهایی محورها و توصیه‌هایی برای آینده‌ی تحقیقات عشایری ارائه شده است.



پیشگفتار.....	۳
---------------	---

فصل اول - زندگی عشایری و کوچ‌نشینی در ایران و جهان

۱-۱- کوچ‌نشینی و انواع آن.....	۱۱
۱-۲- گونه‌های مختلف کوچ‌نشینی دامداری.....	۱۴
۱-۳- کوچ عمودی و افقی.....	۱۸
۱-۴- کولی‌ها.....	۲۱
۱-۵- انگیزه‌های پیدایش و تداوم زندگی کوچ‌نشینی.....	۲۵
۱-۶- جایگاه عشایر در تاریخ ایران.....	۲۸
۱-۷- ارتباط بین جوامع شهری، روستایی و عشایری.....	۳۳
۱-۸- اهمیت جامعه عشایری و ایلی در تشکیل دولت و حکومت در ایران.....	۳۵
۱-۹- جمعیت عشایر ایران.....	۳۸
۱-۱۰- سرشماری جمعیت عشایر.....	۴۰
۱-۱۱- تحولات جمعیت عشایر.....	۴۱
۱-۱۲- ترکیب سنی و جنسی جمعیت عشایر.....	۴۲
۱-۱۳- دام و مرتع عشایر.....	۴۳
۱-۱۴- تغییرات در مراتع عشایری.....	۴۵
۱-۱۵- مراتع میان‌بند و ایل‌راه‌های عشایری.....	۵۴
۱-۱۶- مسکن عشایری.....	۵۵
۱-۱۷- جمع‌گرایی و ویژگی بارز جامعه عشایری.....	۶۱
۱-۱۸- زنان عشایر، مشارکت آنان در تولید و قدرت.....	۶۵
۱-۱۹- اشتغال، صنایع دستی و مشاغل جانبی عشایر.....	۶۹
۱-۲۰- گردشگری عشایری.....	۷۹
۱-۲۱- اسکان عشایر.....	۸۲



۱-۲۲- دانش بومی عشایر.....	۸۶
۱-۲۳- تغییر اقلیم و عشایر.....	۸۹
۱-۲۴- آینده‌نگری زندگی عشایری.....	۹۲
۱-۲۵- چالش‌های زندگی عشایر.....	۹۴

فصل دوم - بررسی چشم انداز زندگی عشایری از دیدگاه تحقیق و توسعه

۲-۱- منابع مطالعاتی و پژوهشی در ارتباط با موضوعات عشایری.....	۹۹
۲-۲- ساماندهی و اسکان عشایر.....	۱۰۲
۲-۳- پژوهش‌های مرتبط با اشتغال و درآمد عشایر.....	۱۱۶
۲-۴- پژوهش‌ها در زمینه دانش بومی عشایر.....	۱۳۴
۲-۵- پژوهش‌ها در زمینه مراتع عشایری.....	۱۴۳
۲-۶- پژوهش در زمینه تولید محصولات ارگانیک توسط عشایر.....	۱۵۲
۲-۷- پژوهش در زمینه تغذیه دام عشایر.....	۱۵۶
۲-۸- جمع بندی منابع مطالعاتی.....	۱۶۰
۲-۹- تحقیقات عشایری در آینده.....	۱۶۱
منابع و مآخذ.....	۱۶۳

فصل اول:

زندگی عشایری و کوچ‌نشینی در ایران و جهان

۱-۱- کوچ‌نشینی و انواع آن

کوچ‌نشینی را شیوه‌ای از زندگی که مشخصه آن تغییر محل گروه‌های انسانی در جستجوی زمین‌های زراعی جدید (کوچ‌نشینی زراعی)^۱ و یا مراتع جدید (کوچ‌نشینی دامداری)^۲ است، تعریف کرده‌اند (جرج^۳، ۱۹۷۴). کوچ‌نشینی زراعی در مناطقی که اراضی فراوانی وجود دارد، اما این اراضی با مشکلات زیادی در بهره‌برداری مداوم، خصوصاً از جهت حاصلخیزی خاک مواجه‌اند وجود داشته و هم‌اکنون نیز در مناطقی از جنوب و غرب آفریقا دیده می‌شود. در این سیستم، قبل از شروع فصل بارندگی، انبوه پوشش گیاهی، چوب و علف به منظور از بین بردن آفات و بیماری‌ها و بارورسازی خاک با خاکستر حاصله سوزانده می‌شود. این سیستم بهره‌برداری اراضی را می‌توان نوعی آیش طولانی برشمرد که مدت این آیش معمولاً از ۱۰ سال تا ۳۰ سال طول می‌کشد، با این تفاوت که در آیش معمولی، بهره‌برداران به دنبال اراضی جدید محل زندگی خود و خانوارشان را تغییر نمی‌دهند، اما در کوچ‌نشینی زراعی، گروه جمعیتی بهره‌بردار، هرساله به همراه خانوار نقل مکان می‌کنند و طی بازه زمانی چندین ساله به مکان قبلی خود باز می‌گردند (شکل ۱-۱، ۲-۱، ۳-۱، کوچ‌نشینی زراعی).

-
1. Shifting Cultivation
 2. Nomadic Pastoralist
 3. George



شکل ۱-۱- به آتش کشیدن پوشش گیاهی جهت آماده‌سازی برای زراعت در کوچ‌نشینی زراعی - آفریقا

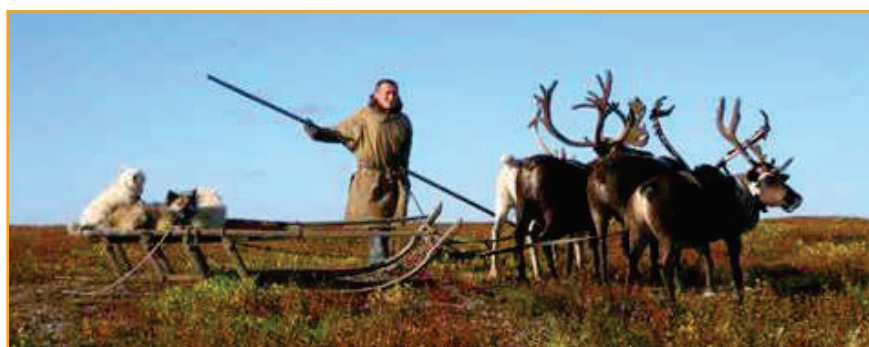


شکل ۱-۲- زراعت لابلائی درختان و درختچه‌های سوزانده شده، در کوچ‌نشینی زراعی - آفریقا



شکل ۱-۳- رشد ذرت در میان درختان و درختچه‌های مرده، کوچ‌نشینی زراعی - آفریقا

کوچ‌نشینی دامداری یا شبانی از گذشته‌های دور وجود داشته و هم‌اکنون نیز در بسیاری از مناطق دنیا، خصوصاً در خاورمیانه، آسیای میانه و شمال آفریقا دیده می‌شود. نوعی از کوچ‌نشینی دامداری نیز در مناطق سرد و نزدیک به قطب شمال وجود دارد. در کوچ‌نشینی دامداری، جابجایی بیش از همه با هدف دستیابی به علوفه مرتعی برای چرای دام صورت می‌گیرد. برخلاف کوچ‌نشینی زراعی که بهره‌برداران با دوره تناوب طولانی چندین ساله به اراضی برمی‌گردند، در کوچ‌نشینی دامداری غالباً حرکت و جابجایی به‌نحوی انجام می‌گیرد که بهره‌برداران طی یک سال، به محل اولیه خود باز می‌گردند.



شکل ۱-۴- دامدار کوچ‌نشین در منطقه توندرای سبیری با سورتمه و گوزن



شکل ۱-۵- کوچ‌نشینان مراکشی با پرورش بز و شتر

۲-۱- گونه‌های مختلف کوچ‌نشینی دامداری

شکل و کیفیت کوچ‌نشینی در بخش‌های مختلف جهان یکسان نیست و عوامل متعددی که اغلب منشأ جغرافیایی دارند، در آن دخالت می‌کنند. مهم‌ترین این عوامل عبارت‌اند از: وضعیت آب‌وهوایی و ژئومورفولوژی منطقه، نوع مراتع، نوع دام اصلی، دخالت یا عدم دخالت در کارهای زراعی و باغی، سکونت و نوع مسکن و تحولات سبک زندگی و معیشت عشایر. براساس این تفاوت‌ها، تقسیم‌بندی‌هایی از زندگی کوچ‌نشینان انجام شده است که یک نوع از اینگونه دسته‌بندی‌ها عبارتند از: نومادیزم^۱، نیمه نومادیزم^۲ و ترانس‌هومانس^۳.

گونه نومادیزم: نومادیزم مطلق به رمه‌گردانی که یکجانشین نیستند، اشاره دارد. نخستین ویژگی نومادیزم مطلق، چرای دام در مراتع طبیعی و حرکت دادن گوسفندان در فصل معین است و ویژگی دیگر آن زندگی در سکونت‌گاه‌های موقتی همچون چادر، کپر و امثال آن است. این گونه کوچ‌نشینی در مناطق آب‌وهوایی خشک و

1. Nomadism

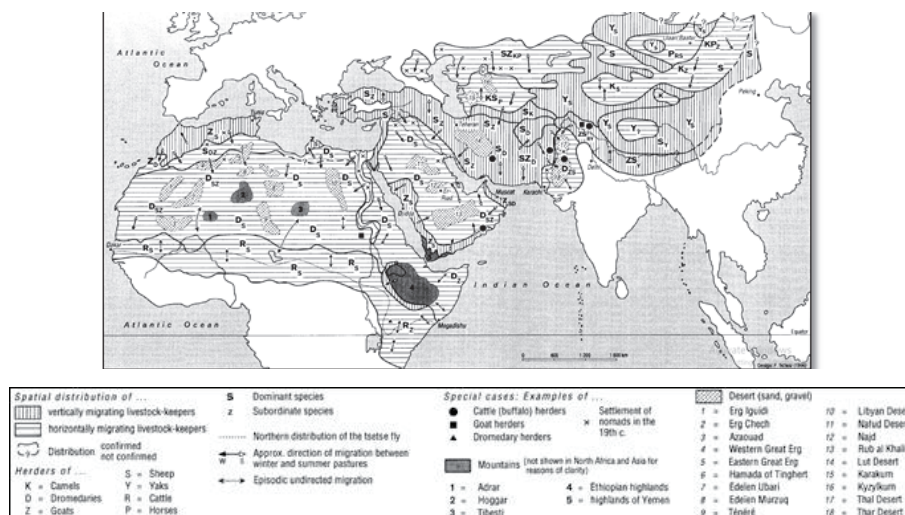
2. Semi Nomadism

3. Transhumance

نیمه‌خشک و یا در محیط‌های سرد و خشن همچون توندرا^۱ که معمولاً آب و زمین برای کارهای زراعت و باغداری وجود ندارد، یا کم و ضعیف است و امکان بهره‌برداری از مرتع در تمام طول یک‌سال به دلیل کمبود علوفه و شرایط آب‌وهوایی وجود ندارد، دیده می‌شود.



شکل ۱-۶- کوچ عشایر به سمت مراتع تابستانی، ایران



شکل ۱-۷- دامداری عشایری و تنوع آن در منطقه کمربند خشک جهان در قرن بیستم

۱. توندرا (Tundra) در جغرافیا به مناطق بدون درخت و درختچه‌ای گفته می‌شود که در مجاورت یک منطقه قطبی قرار دارد. پوشش گیاهی این مناطق از علف‌ها، خزه‌ها و گل‌سنگ‌ها و بوته‌های کوچک تشکیل شده‌است.

گونه نیمه‌نومادیزم (نیمه‌کوچ‌نشینی): عبارت است از ترکیب شبانان با یکجانشینان کشاورز یا چادرنشینی که در زمستان، مساکن کم دوام تابستانه خود که عمدتاً از موادی مانند چادر و حصیر و پوشال ساخته شده بود را با مساکن دائمی که از مصالح بادوام سنگی یا گلی، یا در دهه‌های اخیر با مصالح سیمانی و آهنی ساخته می‌شود، عوض می‌کنند.



شکل ۱-۸- حرکت نیمه‌کوچ‌نشینی به سمت مراتع تابستانی در ایتالیا

پاپلی‌یزدی (۱۳۶۴) معتقد است، در شرایطی که زندگی کوچ‌نشینی ایران در هر سه رکن اصلی زندگی خود، یعنی انسان، دام و مرتع با مشکلات اساسی روبرو هستند، رمه‌گردانی (ترانس‌هومانس) می‌تواند راه‌حلی برای رفع این مشکلات باشد. در این شرایط، زنان و کودکان اسکان داده می‌شوند و کار دامداری به عهده مردان گذاشته می‌شود. به عبارت دیگر، دامداری سنتی از یک شیوه زندگی، تبدیل به یک شغل می‌شود. این دیدگاه بعدها توسط افراد دیگری نیز مطرح شد، اما در سازمان امور عشایر، به عنوان متولی امر، در دستور کار قرار نگرفت؛ با این حال شواهد نشان می‌دهد که امروزه زندگی عشایری و خصوصاً انگیزه‌های آنها هرچه بیش‌تر در حال حرکت از یک سبک زندگی به سمت یک شغل که دامداری متکی بر علوفه عرصه‌های طبیعی و استفاده از باقی‌مانده‌های علوفه و خوراک در اراضی کشاورزی است، پیش می‌رود (وجدانی، ۱۴۰۱).

گونه ترانس‌هومانس: نوعی اقتصاد گله‌داری نیمه‌نومادی است. این نوع اقتصاد گله‌داری همان حرکت منظم سالیانه و فصلی را دارد با این تفاوت که گله‌داران و مالکان بزرگ که در مراکز یکجانشین (اغلب در شهرها) ساکنند چوپانان را استخدام می‌کنند تا گله‌ها را به‌سوی مراتع فصلی حرکت دهند و شخصی که در واقع نماینده مالک است هزینه‌ها و غیره را محاسبه و بررسی می‌کند. هدف از ترانس‌هومانس تهیه گوشت یا فراورده‌های شیری است که به‌طور مسلم در راستای این اهداف، شیوه‌های نگهداری و حفاظت و تعلیف دام‌ها برنامه‌ریزی می‌شود (مشیری، ۱۳۷۳). در تعاریف مربوط به کوچ‌نشینی دامداری با اصطلاح دیگری تحت عنوان اقتصاد آلمی (آلپاین)^۱ نیز مواجه می‌شویم. معمولاً این گونه به عنوان جابجایی انسان با دام‌های خود بین استقرارگاه‌های دائمی در دره‌های کوهستانی در زمستان و سکونتگاه‌های موقت در ناحیه آلپ برای استفاده از مراتع در تابستان توصیف می‌شود. این گونه، در مناطق کوهستانی و دره‌های پر آب و علف ایجاد می‌شود و به‌دلیل همین وضعیت آب‌وهوایی، کوتاه بودن فصل گرما و نیز شیب بسیار دامنه‌ها و دره‌ها، زراعت در آنجا رواج ندارد و شغل اصلی مردم، پرورش دام است. در تابستان، دام‌ها در دامنه‌ها و تا سرحد جنگل‌ها و برف دائمی تعلیف می‌شوند و با شروع فصل گرما گله‌ها در آغل‌های مستقر در روستا نگهداری می‌شوند. مهم‌ترین و معروف‌ترین مناطق آلمی در کوه‌های آلپ (اتریش، سوئیس و ایتالای شمالی) واقع است که موقعیت مناسب برای پرورش گاوهای شیری و گوسفندداری فراهم ساخته است. با این حال این نظام، مختص نواحی آلپ در اروپا نیست. مشیری (۱۳۷۲) به وجود اقتصاد آلمی در نورستان افغانستان و نواحی کوهستانی تاجیکستان نیز اشاره کرده است.

از گذشته‌های دور تاکنون، پهنه وسیعی از نواحی آسیای شرقی و مرکزی تا خاورمیانه و شمال آفریقا شاهد حضور و استقرار اشکال متعددی از زندگی توأم با کوچ و به خصوص شیوه زیست عشایر کوچنده بوده است (اکبری و میزبان، ۱۳۸۳). در این میان می‌توان به تعداد زیادی از اقوام و ایلات و عشایر کوچنده مستقر در

1. Alm wirtschaft یا Alpine farming

کشورهای مختلف آسیای مرکزی، افغانستان و کشمیر، پاکستان، ایران، ترکیه، عراق، سوریه، تونس، عشایر صحرانورد و واحه نشین‌های شبه جزیره عربستان، کشورهای شمال و شمال غرب آفریقا تا صحرای غربی و مراکش اشاره کرد. در برخی از نواحی جغرافیایی سایر قاره‌ها مانند آمریکا و اروپا نیز زندگی کوچ نشینی مبتنی بر دامداری شبانی وجود دارد که از آن جمله می‌توان به بقایای این نوع زندگی در اروپای مرکزی و شمال غربی و برخی از نواحی آمریکای شمالی و جنوبی اشاره کرد. برآورد شده است که بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ میلیون نفر در دنیا، زندگی شبانی داشته و بر اساس نظام گله‌داری مبتنی بر کوچ و بهره‌برداری بی واسطه از مراتع و سایر منابع محیطی زندگی می‌کنند (ضرغامی، ۱۳۹۵).

۳-۱- کوچ عمودی و افقی

در نوعی از تقسیم‌بندی، کوچ‌نشینی بر مبنای تفاوت ارتفاع مقصد و مبدأ کوچندگان به دو نوع کوچ عمودی و افقی تقسیم بندی می‌شود. غالباً این دو نوع کوچ متناسب با نوع زندگی و نوع دام‌ها و نوع تعلیف آن‌ها تشخیص داده می‌شوند. **کوچ عمودی:** به نوعی از کوچ اطلاق می‌شود که در آن جابجایی گروهی خانوارها به هنگام تغییر فصل از دشت به ارتفاعات و بالعکس، صورت می‌گیرد. این نوع کوچ در عشایری دیده می‌شود که دام‌های آن‌ها بیش‌تر از نوع گوسفند است که در میان آن‌ها تعدادی بز و حتی گاو نیز دیده می‌شود (مشیری، ۱۳۷۲). این نوع کوچ در مناطقی که دارای تفاوت ارتفاعی و اقلیمی قابل توجهی در آنها وجود دارد -که اغلب همان مناطق ییلاقی و قشلاقی است- دیده می‌شود.

کوچ افقی: کوچ افقی مربوط به بیابان‌های خشک، هموار و بسیار وسیع است. در این سرزمین‌ها آب و علف بسیار کمیاب است و شرایط محیط (در بسیاری از مناطق آن) تنها برای نگهداری شتر مناسب است. کوچ افقی میان قبایل شتردار در صحرای عربستان و سرزمین‌های مشابه آن دیده می‌شود. کمبود آب در صحرا موجب می‌شود هر قبیله چاه آبی مخصوص به‌خود داشته باشد که استفاده از آن برای قبایل دیگر ناممکن است. گاه در مجاور این چاه، نخلستان و زراعت مختصری نیز

پدید آورده‌اند، این‌ها همان واحه‌ها هستند (نیک‌خلق و نوری، ۱۳۷۳). بیان دیگری که در معرفی تفاوت‌های زندگی کوچ‌نشینی به کار می‌رود، اصطلاحات «درون کوچی» و «برون کوچی» است. برون کوچی، حرکت از سردسیر به گرمسیر و برعکس است. کوچ درون منطقه‌ای حرکت کوچ‌نشینان نیمه‌یکجانشین از نزدیک بستر دره‌ها به سوی ارتفاعات اطراف آنها است. این نوع کوچ به صورت عمودی انجام می‌گیرد. در فصول مختلف، دسترسی به مراتع، مستلزم حرکت‌های صعودی و نزولی در بلندی‌ها است و در میان اقوامی با گله‌گوسفند و بز و به‌ندرت گاو دیده می‌شود (مشیری، ۱۳۷۲).

تقسیم‌بندی دیگر از کوچ‌نشینی، مبتنی بر داشتن یا نداشتن مسکن دائمی است. عشایر و کوچ‌نشینان غالباً به جهت زندگی در چادر شناخته می‌شوند؛ با این حال بسیاری از کوچ‌نشینان در یکی از مقاصد خود، در ییلاق یا در قشلاق و گاه در هر دو مکان، دارای مسکنی غیراز چادر و ساخته شده از مصالح بادوام و یا نیمه‌بادوام هستند. بر این اساس، عشایر به دو دسته کوچ‌نشین و نیمه کوچ‌نشین تقسیم می‌شوند. در ایران غالباً عشایری که به شکل نیمه کوچ‌نشین هستند، فصل سرد سال را در مساکن بادوام و فصل گرم و ییلاق خود را در چادر زندگی می‌کنند.

تعاریف و مفاهیمی که در دستگاه‌های دولتی و نهادهای متولی امر در خصوص آمار و اطلاعات مرتبط با عشایر، کوچ‌نشینان و یا عشایر کوچرو ارائه می‌شود، می‌تواند بسیار مهم و اثرگذار باشد. مرکز آمار ایران به عنوان یک مرجع رسمی، متولی تهیه آمار و اطلاعات است و از همین رو تعاریفی که برای عباراتی همچون «کوچ» و «عشایر کوچنده» در نظر می‌گیرد، می‌تواند بسیار مهم باشد. تعریفی که این مرکز از «کوچ عشایری» در نظر دارد به شرح زیر است:

«کوچ عشایری» عبارت است از حرکت خانوار عشایری از نقطه‌ای به نقطه دیگر با هدف استفاده از منابع طبیعی برای چرای دام. این کوچ معمولاً با شرکت همه اعضای خانوار، بار و بنه، اثاث منزل و سرپناه قابل حمل و به‌طور تاریخی و معمول، بین ییلاق و قشلاق و برعکس، همراه با ایل و طایفه یا رده‌هایی از آن انجام می‌گیرد. کوتاه یا بلند بودن مسیر کوچ، تغییری در مفهوم کوچ ایجاد نمی‌کند. وسیله حمل خانه و زندگی در زمان‌های گذشته، چارپایان بوده‌اند؛ اما طی سال‌های اخیر، استفاده از وسایل حمل و

نقل ماشینی شروع شده و در حال گسترش است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰).
در تعریف «عشایر کوچنده» مرکز آمار ایران، وجود سه ویژگی زیر، به صورت توأم، لازمه تلقی یک گروه جمعیتی به عنوان عشایر کوچنده است:

۱- داشتن ساخت اجتماعی قبیله‌ای: هر فرد این جامعه، خود و خانواده‌اش را متعلق و وابسته به یک گروه اجتماعی بزرگتر و معمولاً خویشاوند می‌داند و غالباً به آن مباحثات می‌کند. نام این گروه بزرگتر به‌طور معمول، طایفه نامیده می‌شود. چند طایفه، یک ایل را تشکیل می‌دهند و ممکن است در بعضی از عشایر، ایل به شاخه‌ها و رده‌های دیگری نیز تقسیم شود و طایفه در سطحی پایین‌تر قرار گیرد. در عشایر مختلف، طایفه به سطوح دیگری تقسیم می‌شود و بین آن و خانوار، حلقه‌های رابط وجود دارد. مثلاً، در ایل بختیاری هر خانوار به یک «مال»، هر مال به یک «اولاد»، اولاد به «تش»، تش به «طایفه» و طایفه به «بزرگ‌طایفه»، «شاخه ایلی» و «ایل» متصل می‌شود.

۲- اتکای معاش به دامداری: تأمین معاش خانوارهای عشایری، متکی بر دامداری است و اگر منابع دیگری برای معاش وجود داشته باشد، حالت فرعی و جانبی دارد؛ مانند زراعت محصولات می‌مانند گندم و جو یا تولید مصنوعات می‌مانند قالی و خورجین.

۳- شیوه زندگی مبتنی بر کوچ: چون معیشت عشایر کوچنده متکی بر دام‌هایی است که آنها را در مراتع طبیعی می‌چرانند، با تغییر فصل، از نقطه‌ای به نقطه دیگر و از منطقه‌ای به منطقه دیگر کوچ می‌کنند؛ فصل سرد را در قشلاق و فصل گرم را در ییلاق به سر می‌برند. فاصله قشلاق و ییلاق ممکن است تا پانصد کیلومتر باشد و در چنین وضعیتی انسان باید دارای سرپناه قابل حمل باشد. بعضی از عشایر کوچنده، قسمتی از سال (مخصوصاً زمستان) را در ساختمانهای روستایی یا نظیر آن می‌گذرانند، اما این امر، ماهیت عشایری و نظام اجتماعی-اقتصادی آنان را تغییر نمی‌دهد (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰).



شکل ۱-۹- کوچ عشایر قزاق با اسب و شتر

۴-۱- کولی‌ها

هنگامی که سخن از کوچ‌نشینان است، کولی‌ها را نمی‌توان نادیده گرفت. اگرچه جمعیت کولی‌ها در زیر مجموعه کوچ‌نشینان قرار می‌گیرد، با این حال از جمعیت عشایری کاملاً متفاوت است و لازم است تا تفاوت‌های آن‌ها مورد توجه قرار گیرد. این قوم طی صدها سال، حرکت و گسترش خود از هند تا افغانستان و ایران و تا اروپا را داشته‌اند و حتی با مهاجرت به آمریکا ویژگی‌های قومی خود را حفظ کردند. کولی‌ها به زندگی آزاد، رقص و موسیقی و اجرای برنامه‌های نمایشی شهرت دارند. فال‌گیری و ساخت بعضی مصنوعات دست‌ساز نیز از مشاغل شناخته شده‌ی آنهاست.



شکل ۱-۱۰- حرکت کولی‌ها در اروپا